

اشراق ربّانی

به قلم مظلومه تاریخ

جناب طاہرہ قرّۃ العین

به کوشش و باز نویسی:

ید اللہ کابری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّبِّ الْعَزِيزِ

حمد مشعشع از طراز عظمت و ثناء متلامع از حجاب قدرت مر ساحت مجد ملیک قعال و قادر لایزال و ربّ متعال را برازست که بتجلیات بدعیّه و جذبات غیبیه نیست محض و لاشیء صرف را بخروش و هیجان آورده و بامدادات حدیبه او را در هر آن بآن بقطع نظر از این ممدست. سبحانه سبحانه ما عجب صفت و عظم لطفه که همچنانکه این جوهر مذوّنه و لطیفه مجدّده خود را متّصف بصفّت و جود دیده و از دام نابودیت رهیده بسوی اشراقات مُشرقه از طراز ازلیت در تلجیح و ذویانست و بجستجوی باره خود باقتضاء کینونیت و سرّ حقیقت در طیران که از شش جهت مدبّرات هفتگانه او را واپس کشند که ها برگرد ای لاشیء محض و معدوم صرف که ترا به معرفت ذات ازلیت و کینونیت احدیت راهی نیست.

و بدان که، حقیقت تو باشراق شمس مشیّت در عالم شیثیت مشبّاً گشته و بلمعات اراده میرق و در هر آن باشراق شمس قدر مستشرق و بامضاء قضا باذن الرّبّ العلیّ الاعلیّ کینونیت متنتق و فی وقت مؤجل من کتاب الّذی لایضلّ و لاینسی احکام وجودت از بین کلمه نفی و اثبات مستغرقست.

برگرد بعالم نیستی که حقیقت نیستی تا که هست شوی. آیا نمی شنوی ندای شهنشهان کشور وجود و سروران ممالک شهود را؟ روح من فی ملکوت الاسماء و الصّفات فدا طلعتهم و جلّ ذکرهم که در عالم وفائی نبود از حین استغراق در بحر خضوع و سجود طریق وصول به مقام محمود را تعلیم هر مذروه و موجود فرموده باب معرفت ذات حقّ قدیم را مسدودست مشهود نمودند.

الهی ما جعلت للخلق طریقاً الی معرفتک الّا بالعجز عن معرفتک صلوات بارقات از طراز احدیت و ثناء شارقات از بساط صمدیت بر ذرّا مسمدات از عین حیوة ولایت ان احرف توحید و اسطر تمجید و حقایق تفرید و عده احرف وجه ربّ حمید که شجره انوار حق و حقایق اسرار مطلق می باشند بزرگوارانی که من عرفهم فقد عرف الله لا فرق بینهم و هو الّا أنهم عبده و خلقه سبحانهم عمّا یصفون آیاتهم الظالمون تسبیحاً کبیراً و بهاء بارقه از سماء ثناء و سلام نازله از طراز کبریا بر شیعیان خضیص و خواص ایشان که ازیشانند و اخذ عهد محبت ایشان از ...^(۱) از بد ازلی گرفته شده و این هم بآن مستمد گردیده لعنة الله على الذين یغصبون حقّ شیعه آل محمّد و یضلونّ الناس بغير علم و یجبرونهم الی عذاب السعیر

بسمه العزیز المتکبر الجبار

قال الله ربُّنا العزیز فی کتابه العزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه بل تنزیل من عزیز حمید ما خلقت الجن و الانس الا لیبعدون افحسبتم اننا خلقناکم عبثاً و انکم الینا لاترجعون^(۱) انا خلقناکم لیبلوکم انکم احسن عملاً^(۲) و قال ربّ العلیم الخبیر و رفعا^(۳) بعضکم فوق بعض درجات لیبلوکم فی ما آتیکم^(۴)

مخفی نیست بر اَولِ الابصار و محبتین خلال دبار و مستشرقین بانوار مشرقه از طراز قدرت پروردگار بر این که ربّ رحیم جبار خلق را عبث خلق نفرموده و این اوضاع را الهوا پای کار نیاورده سبحانه سبحانه عمّا یصف آیاته الملحدون تسبیحاً علیا بل این جواهر مکونه از ذرات مرشحه از بحر منت و فضل خود را طراز وجود پوشانیده و بعالم شهود او را بر سریر عزّت نشانیده و نعمای ظاهره و باطنه را بر او تمام فرموده و در هر آن او را از بحر جود و احسان ممدّست لاجل معرفت و سیر او در عالم حقیقت است تا آن که به لطیفه سرّ وجود و جوهره رمز شهود رسیده صعود بعالم معهود به پر و بال شهود نموده و بمقام محمود رسیده و از جام وحدت نوشیده مستأنس در ظلال محبوب گردیده و از قیودات کثرات رهیده مقصود حقیقی از خلقت خود را یافته و بسرّ خلیقه آگاه گشته بخلعت و الای خلیفه الّلهی مطرّز و متعرّف در عالم وجود گردیده تا سر جوهریت انسانیت که اکبر حجّة الله و بناء الله و کتاب الله الّذی کتبه الله بیده میباشد در مقام عیان متلاًلاً گردد. و شبهه بجهت اولوالالباب درین باب نیست که عبادت فرع معرفت بل عین اوست در نزد اهل او و بمذهب حقّ هر عبادتی در هر عالمی از سنخ آن عالمست و هرگاه عبادت بلا معرفت باشد اصلاً ابداً ثمری بر او مترتب نیست بل ورزیست بر صاحبش و هباء منثورست در حین اخذ ثمرش زیرا که سیری نموده بیجا و عملی مرتکب گردیده بی با زیرا که نمی شناسد معبود خود را و نمیداند طریق وصول بساحت قدس او را چنانچه کلّ آیات الله و اخبار آل الله (ص) و عقل مستنیر بنور رحمن دالّ بر این بیانست کی اشرق النور من لسان الله العدل الشکور اذا تجلّی ضیاء المعرفة من الفوادِ هاج ریح المحبّة و استأنس فی ظلال المحبوب و اثر محبوه علی ماسواه و معرفت ذات حقّ قدیم بطریقه مستقیم و قسطاط قویم که محال و ممکن را نشاید که پر و بال بآن

۲-سورة ملک آیه ۲ و سورة هود آیه ۸

۴-سورة انعام آیه ۱۶۵

۱-سورة مؤنون آیه ۱۱۷

۳-در قرآن "رفع" آمده است.

ساحت عزّ و جلال گشاید زیرا که در آن مقام او را وجودی نیست و نیست محض سبب وصول بعالم هستی صرف نمیگردد بل ممکن باشراق مشبّت حقیقت او مستشرق و بانوار اراده مستمدست و از فواره قدر حکم نفی و اثباتش در جریان و لمعانست چنانچه فرمود ذات‌الله العلیا و نفسه القائمة علی ماسوی جلّ ذکوه و صلواة‌الله علی من احبه کلّ ما میزتموه باو هامکم بادقّ معانیه فهو مخلوق مثلکم مردود الیکم رجع من الوصف الی الوصف و دام الملك فی الملك الطریق الی معرفة الذات مسدود و الی طلب مردود و قال الله ربّ العزیز لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصر و هو اللطیف الخبیر^(۱) و چنانچه سرّ الوجود و سلطان المشهود لسان‌الله الناطق باسرار الوجود علی بن موسی الرضا صلواة‌الله علیه سدّ باب معرفت ذات حقّ فرموده در جواب عمران صابیّ که از کملین متکلمین بوده. عمران عرض نمود که ای سید من بعد این که سدّ باب معرفت ذات حقّ فرموده بچه چیز بشناسیم حقّ را؟ فرمود امله جلّ ذکوه باسم او و صفت او و مشبّت او. مخفی نماناد بر اهل نظر و ناظرین بمنظر اکبر که ربّ ملیک مقتدر خلق را تکلیف بمحال نفرموده و ایشان را مهمل و معطل بخود وانگذاشته بل طریق معرفت ذات مقدّس او عجز صرف و فقر بحث است چنانچه می فرماید مرآة جمال و آئینه جلال لسانه الناطق عنه فی کلّ حال الهی ما جعلت للخلق طریقاً الی معرفتک الا باعجز عن معرفتک و بجهت خلق خود آیه معرفت قرار نموده و بنای عظیم بید قدرت خود بنا فرموده و معرفت آن آیات را معرفت خود خوانده و جهل بآن علامات را جهل بخود نامیده چنانچه می فرماید کلاً ایحسب الانسان ان یترک مسدئ کلاً^(۲) انّ علینا الهدی^(۳) و علی الله قصد السبیل^(۴)

و مخفی در نزد ارباب هوش و خرد نیست که حقیقت آن آیه عظیمه که در عالم وحدت حکایت مینماید از جلالت ربّ جلیل آن آیه محمّد و آل‌الله قبصات باقوت و احزف توحید حقّ در عالم جبروت می‌باشند. من عرفهم فقد عرف‌الله و من جهلهم فقد جهل‌الله من اطاعهم فقد اطاع‌الله و من عصاهم فقد عصی‌الله تحقیق از ضرورت مذهب حقّه و طریقه مستقیمه گردیده که انوار مطهّره آل‌الله جلّ ثنائهم اسبق ماسبق و اوّل ماخلق می‌باشند و متلاً بود انوار جلالت آن بزرگواران از حجاب قدرت قبل وجود زمان و حین سرمد بل ازل اشراقی از تجلی جمال آن متکیان بر بساط انس حقّ ست و شبهه در این مسئله بجهت ارباب هوش و بها نمانده که کلّ ماسوی از عماء مطلق و عرش و کرسی و سموات و ارضین و انس و جن و کلّ ما برآو زراً از نور محمّد و آل طاهرین او مخلوق و کلاً از باب فیض آن بزرگواران مطارح فیض و مهابط فضل میباشد

۲-سوره قیامت آیه ۳۶

۴-سوره نحل آیه ۹

۱-سوره انعام آیه ۱۰۳

۳-سوره لیل آیه ۱۲

مستمد و موجود هستند و منکری بجهت ابن مطلب منور از ارباب بصیرت و نظر نیست که متفومند اشیاء و بآل الله بقوام صدوری مثل قوام بشمس و از جهت آن احرف توحید و آیات تمجید مقام بیانیست لن یطلع علیه الرّب المجید لان الله قد استخلصهم لمعروثة نفسه العلیّ الحمید لکن آن الله لن یعرف و لن یوصف و کذا لک هم کی صرح بهذا البرهان فی کتابه الذی لایاتیه الباطل و یحذرکم الله نفسه ألا تقولو فی حبه کلمة الاقتران

پس در مقامی که ایشان عند الله مکین میباشند بحقیقه سر و راز حقایق منوره ایشان بجهت احدی از امکانیان نیست و شاهد برای بیان از افق حکمت رخشان آیات الله و احادیث مشرقه از السنه آل الله الملك المّان با دلالت عقل مستنیر بنور رحمن میباشد و تسطیر ادله با تطابق آنها با آیات انفسیه و آفایه بطول می انجامد و مطلب ما در اختصار و اشاره بنوع براهین ست بجهت اهل اعتبار شبهه نیست که معرف شیء حاصل نمیشود الا بآنکه عارف باو مساوی و در یک رتبه باشد یا آن که او را ریطی و مناسبتی با او ملحوظ گردد سبحان الله کرا یاری آنست که نفس در کشد که با آل الله در یک رتبه بوده یا آن که او را وجودی در جنب آیات نازل از سماء مجد ایشان هست بل مخلوقی ست حقیقت ذرات از فاضل طینت شیعیان خصیص ایشان بچند تنزلات سبحان آل محمد عمّا یصفون المقصرون تسبیحاً علیا

پس ثابت گردید که اصل اصیل آیه معرفت حق آل الله الاظهار جلّ وصفهم من وصف اهل الدیار میباشد و ثابت گردید که آن بزرگواران معروف بآثار و معلوم بانوار خود میباشند و احدی را راه بمعرفت حقیقت ایشان نیست و در هر زمان بعد از نزول آدم علیه السلام بزمین بنوعی و لباسی و آیه در مقام آئینت و علامت بروز و ظهور انوار ایشان نمود و خلائق آن ممتحن گردیدند و میگردند الی یوم ینفخ فی الصور چنانچه میفرماید ربّ قادر متعال در وصف این حال و اذ قلنا اهبطوا منها جمیعاً فامّا یا تبئکم منی هدئی فمن تبع هدای فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون^(۱) که لایزال انوار هدایت از سماء امر الهی در بروز و لمعانست بالبسه و اطراز مختلفه و لامتیاز الخبیث من الطیب و تمحیص الرّدی من الحسن و بجهت آن آیات و علامات اسماء ربّ قادر وضع فرموده لیکن مقصود در هر عصر انسانی است کامل و نوری است شامل چنانچه میفرماید ربّ رحیم و علامات و بالنجم هم یهتدون و جعلنا فی الارض فجاجا سبلاً لعلّهم یهتدون^(۲) و از این آیات بسیارست در کلام ملیک جبار و تسطیر او بطول می انجامد و در اجمال ابن مطلب عظمی احدی را سخنی نیست ولیکن داء عضال تفصیل این امحالت آن به که در مقام توضیح و بیان بر نحو تفصیل و تبیان برآئیم تا آن که مطلب در نهایت وضوح و لمعان باشد

اشراق سبحانی مخفی نماناد بر اُلوالابصار که ایمان در نزد ارباب ایقان مبنی بر چهار ارکانست در عالم ظهور و عیان و در عالم بیان این شجره با فوران یسقی ماء واحدست و ادلّة ساطعه از کلام ربّ ودود و احادیث مشرفه از السنّة اولیای ملک معبود و براهین لامعه از افاقه و انفسیه شاهد بر مدعاست

اما دلیل احادیث سؤال نمود راهب از اسم اعظم از سرّ الوجود و ممدّ الجود، موسی بن جعفر جلّ ذکرة و صلوة الله علیه فرمود چهار حرف در هوا و چهار حرف در زمین و آن چهار حرف که در زمین است اول لا اله الا الله حقّا دوّم محمّد رسول الله صلی الله علیه و آله سوم نحن چهارم شیعتنا و در حدیث دیگر فرمود لن تكونوا صالحین حتی تؤمنوا و لن تؤمنوا حتی تعرفوا و لن تعرفوا حتی تسلموا و لن تسلموا حتی تصدقوا ارباب اربعة فی ابواب اربعة لا یصلح اولها الا باخرها و لا اخرها الا باولها و ضلّ اصحاب العلاء و ناهوتها بعیداً

و احادیث بسیار نازل از شجره انوار است که شیعه آل الله از ایشان و مخلوق از فاضل طینت ایشان و معجون بماء ولایت ایشان میباشند و اخذ عهد محبت ایشان را با ولایت آل الله از کُلّ ذرّات وجودیه قبل از نزول بعالم شهودیه گرفتند و کُلّ انبیاء مرسلین و ملائکه مقربین و علمای راشدین از شیعیان خواص و خصیصین آن بزرگواران جلّ ذکرهم میباشند و ظهور انوار آن اولیای پروردگار بلباس رسالت که سابق روزگار گذشت و این زمان فتنه پنیان که غربال امتحان بمیان گذارده و آیات بیان از شش جهت محیط بر اهل امکان گردیده زمان ظهور انوار آل الله الاطهار و شیعه و علمای ربّانین که حَمَلَة اسرار آن صفوه پروردگار میباشند میباشد که چنین کون امکان در هم گردیده و عالمی بر خود شوریده اند با وجود این براهین ساطعه و ادلّة لامعه از کتاب عقل و سنّت که ایمان مبتنی بچهار ارکانست چنانچه میفرماید پروردگار در کتاب کریم خود (هو الذی خلق الارض فی یومین)^(۱) و جعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدر (فیها) اقواتها فی اربعة ایام سواء للسانین^(۲) که مراد حق از اربعة ایام اشاره بظهورات اربعة ارکانست توضیح این مطلب بر نحو تفصیل آن که قوام انسانیت در عالم حقیقت بعلم است و پروردگار در بسیار مواضع تصریح فرمود انه علم رابرق أفلا یُنظر الانسان الی طعامه^(۳) ای الی علمه ممّن یأخذ و میفرماید و یجعلون لما لا یعلمون نصیباً ممّا رزقناهم تالّله لئسئلنّ عمّا كانوا یفترون^(۴) و میفرماید افبهذ

۱- مطلب داخل پرائنز در سند خط خورده است.

۲- سورة فصلت آیه ۸ تا ۱۰ - کلمه داخل پرائنز در سند مزبور نیست ولی در قرآن وجود دارد.

۳- سورة عبس آیه ۲۶ (در قرآن این آیه "فلینظر الانسان الی طعامه" آمده است)

۴- سورة نحل آیه ۵۶ (در قرآن "... عمّا کنتم تفترون" آمده است)

الحدیث انتم مدهنون و تجعلون رزقکم انکم تکذبون^(۱) و میفرماید در مقام بیان واللّه فضل بعضکم علی بعض فی الرزق فما اذین فضلوا برآدی رزقهم علی ما ملکتم ایمانهم فهم فیہ سواء ابقینم اللّه یجحدون^(۲)

نظر نما ای طالب حقّ که انکار و کفر نعمت خود را پروردگار در این قرار داده که کسی بولی النعم خود بنظر استواء یا خود نظر نماید خلاصه کلام که مراد از رابع ایام رابع ارکانست که قرای ظاهره میباشند که پروردگار اخذ رزق را از این علمای ابرار بر رعایای ایشان در زمان غیبت لازم و محتوم فرموده و اعراض از این بزرگواران را جحد و کفر خوانده چنانچه میفرماید در کتاب عظیم خود و جعلنا بینهم و بین القرى الّتی بارکنا^(۳) قرئی ظاهره و قدرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی و ایاما آمنین^(۴) که تصریح بسیر در این قرای مبارکه و اخذ از ایشان را محتوم فرموده و اعراض از اخذ را تمزیک ممزق نمود چنانچه در آیه بعد میفرماید فقالوا ربنا باعد بین أسفارنا و ظلموا أنفسهم فجعلناهم أحادیث و مرّفناهم کلّ ممزق^(۵) و احادیث بسیار در وجوب اخذ رزق حقیقی از علمای ابرار از بیانات آل الله الاطهار مستشرقست و از ضرورت مذهب گردیده و در السنه عوام مشهودست ولیکن کو و کجاست طالب حقیقت و ناظر بسرّ دقیقه آیتت احادیث که افزون از صد هزار در وصف عالم ربانی دارد از آنجمله صائبا لنفسه حافظا لدینه مخالفا لهواه ثابتا لرضاء مولاه و کذا الی شاء الله حدیث کجا فطن عاقلی که در سدد^(۶) معرفت مورد او برآید و مصداق را اطاعت نماید.

خلاصه از آیات دالّه بر رکن رابع این آیه مبارکه میباشد لیس علی الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات جناح فیما طعموا أن آمنوا و اتقوا ثمّ اتقوا و آمنوا ثمّ اتقوا و أحسنوا^(۷) که مقام تقوی و احسان مقام اقرار بر اربع ارکان و شیعیان آل الله (ص) میباشد و احادیث بشمار دالّ بر این مطلب است که اخذ عهد موذت شیعیان را با ولایت موالی ایشان از کلّ پیغمبران و امتان ایشان و ملائکه مقربان بل کلّ ذرّات وجودیه گرفتند آیا نمی بینی بنور اشراق که عرش مرکب از انوار اربعه میباشد و آفتاب مرکب از انوار اربعه میباشد و رزقت مقدر در ایام اربعه میباشد و قوام انسانیت مرکب از عناصر اربعه میباشد.

و بدان که در مقام سطر احادیث در این باب برنیامدم که خداوند بآدم و نوح و موسی و

۱-سوره واقعه آیه ۸۰

۲-سوره نحل آیه ۷۴

۳-در قرآن بعد از "بارکنا" کلمه "فیها" آمده است.

۴-سوره سبا آیه ۱۸

۵-سوره سبا آیه ۱۹

۶-صدد

۷-سوره مائده آیه ۹۴ (در قرآن آمده است "عملوا الصّالحات جناح فیما طعموا اذا ما اتقوا و آمنوا و عملوا الصّالحات ثمّ اتقوا و آمنوا ثمّ اتقوا و أحسنوا...")

عسی و ملائکه در باب شعیان آل الله چه نوع اخذ عهد فرمود زیرا که بنا باختصارست اگر جاهل ایراد نماید که چرا تا حال از زمان این اسم را اشتهاز نبود جواب آن که تالله الحق که از بوم ازل این نور در فوران بود قبل از وجود سرمد و هر زمان در افق حقیقت رخشان بود لیکن او ان ظهور او نبود حال در این زمان ربّ قدیم سبحان بر وفق مصلحت خود او را در مقام لمعان برآورده که ولوله در کون و امکان افکنده چنانچه رکن ولایت که رکن شیعہ را وجودی در جنت او نیست بل ظهور جلالت اوست او را در عهد رسول الله (ص) ظهوری بهیچ وجه نبود بعد بتدریج زمان ثمر این شجره طیّبه بفوران آمده که زرات^(۱) امکانیان و مدعیان ایمان بید انس و جان بغربال امتحان رفتند رفتند هر یک بمقام معلوم مقدر که به بال پراعتقاد و عمل خود سیر نمودند آن کسانی که دین را منحصر باستنباط احکام فرعی و ظواهر مقرّره شرعی ندانسته بل در مقام معرفت اصل اصیل آیه الله و حجّة او برآمده با تزیین اصلاح ظاهره و تواظب احکام فرعیه نفس خود را از تهلکه رهاوند و سالک سبیل عکسیت در اسفل درک جهنّم آرمد و چنین جاری گردیده سنت پروردگار که خلق را در هیچ زمان و او ان بحال خود وانگذا رده بل ایشان را متحنن بآیات غیبیه میفرماید چنانچه میفرماید ألم احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا و هم لا یفتنون^(۲) انا خلقناکم لیبلوکم ایکم احسن عملاً^(۳) و میفرماید و ما کان الله لیذر المؤمنون^(۴) علی ما هم^(۵) علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب و ما کان الله لیطّلعکم علی الغیب ولكن الله یجتبی من عباده^(۶) من یشاء و یهدی من ینیب^{(۷)(۸)}

مخفی نماند که قرآنا احکامش در هر عصر و زمان جاریست الی بوم یفخ فی الصور و تخصیص بآنی دون آنی ندارد و لا رطب و لا یابس الی کتاب مبین^(۹) و رزق الله المنزلست و رافع اختلاف در هر عصرست و فیض الله المرسلست چنانچه فنا بجهة منزل او نیست همچنین تعطیل بجهت اسرار و آیات او ملحوظ نمیگردد. چنانچه فرمود امام جلّ ثناؤه و صلوات الله علی من اتبعه لو ان القرآن ینزل فی امة واحدة لبطلت النظام ولكن القرآن یجری اوله علی آخره مادامت السموات و الارضین از جهت قرآنت بواطن و نفاسیر الی ماشاء الله ولیکن ظاهر او جهت

۱- ذرات ۲- سورة عنکیوت آیه ۲

۳- سورة هود آیه ۷ (وکان عرشه علی الماء لیبلوکم ایکم احسن عملاً)، سورة ملک آیه ۲ (...الذی خلق الموت و الحیاة لیبلوکم ایکم احسن عملاً)

۴- در قرآن "مؤمنین"

۵- در قرآن "ما انتم"

۶- در قرآن "ما انتم"

۷- عبارت "و یهدی من ینیب" در ادامه آیه نیامده است. در سورة شوری آیه ۱۳ آمده است، "ما تدعوهم الیه الله یجتبی الیه من یشاء و یهدی الیه من ینیب"

۸- سورة آل عمران، آیه ۱۷۳

۹- سورة انعام آیه ۵۹

رسول الله و خاتم النبیین است که لو اجتمع الجن و الانس أن یأتو بمثله لن یستطیعوا^(۱) و باطن را آل الله الاطهار جل ذکرهم حجّت قرار فرمودند که آنچه از دشمنان سؤال میشد بر جای خود در جواب میخشکیدند و باطن باطن حجّت و بیّنه از جهت شیعیان آن بزرگواران میباشد و ایشانند وارثین کتاب الله چنانچه خداوند میفرماید ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرات^(۲) و در حقّ ایشانست آیات وارده و ایشانند موارد خطاب الهی و ایشان دور میزند مدار و بایشان گشوده میشود باب تمحیص و اعتبار و اطلاق بیّنه و ذکر و رسول و سایر اسماء موضوعه معلوم بر ایشان است چنانچه میفرماید پروردگاره، و ما اختلفوا الا بعد ما جائتهم البیّنة رسول من الله یتلو صحفاً مطهرة^(۳)

پس اینکه میفرماید پروردگاره، و ما کان الله لیذر المؤمنون علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب و ما کان الله لیطلعمکم ولكن الله یجتییء من رسله من یشاء^(۴) یقین بنما که مراد از رسول در هر زمان حامل آن آیه غیبیه و فرع شجره ثابتی اصلیه میباشد لا غیر او چنانچه پروردگار میفرماید مثل کلمه طیبیه کشجره طیبیه اصلها ثابت و فرعها فی السماء نوتی أکلها کلّ حین باذن ربّها^(۵) و یقین نما که این شجره مبارکه الهیه در هر حین تازه بتازه میوه از علوم حقیه باذن الرّب البریه از او در فوران و سریانست و خلایق باو ممتحن و هر زمانیرا که خداوند مشیتش اقتضا نمود آن حامل علم غیبیه را ظاهر میفرماید و زّرات^(۶) وجودیه را متمحص مینماید چنانچه اخبار بسیار دالّ بفتح باب تمحیص و اختیاریست چنانچه فرمود امیرالمؤمنین جل ثناؤه و صلواة الله علی احبّائهم والله لتبلبلن و الله لتمحصن و الله لتساطن سوط القدر حتی جعل اعلامکم اسفلکم اسفلکم اعلامکم و فرمود لسان الله الناطق جعفر ابن محمد صادق (ص) و الله لتمحصن و الله لتغرلن و الله لتکسرن کسر الزّجاجة فیعود و کسر الفخار فلا یعود و احادیث در باب فتح باب ابتلاء و امتحان زیاده از حدّ و عدّست حتی آن که شیعیان بساحت قدس صفوة ملیک منان آل الله الاطهار مشرف میگردیدند آن بزرگواران را بمثل زن نکلی واله و گریان مشاهده مینمودند و از زفرات آتشین آن بزرگواران دل ایشان بدرد می آمده گریان در مقام سؤال از آن مستویان بر عرش رحم و امتنان بر می آمدند که سبب این شدّت این زفره و ناله چیست خداوند جانهای ما را بفدای شما بگرداند

- ۱-سوره اسرا (بنی اسرائیل) آیه ۸۸ (قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی أن یأتو بمثل هذا القرآن لایأتون بمثله ولو کان بعضهم لبعض ظهیرا)
- ۲-سوره فاطر آیه ۳۲
- ۳-سوره جانبیه آیه ۱۷ (فما اختلفوا الا من بعد ما جائهم العلم بغیا بینهم ...)، سوره بقره آیه ۲۱۰ (و ما اختلف فیہ الا الذین اوتوه من بعد ما جائتهم البیّنات بغیا بینهم ...)
- ۴-سوره آل عمران، آیه ۱۷۳ (به پاورقی ۷ در صفحه قبل توجه فرماید.)
- ۵-سوره ابراهیم آیه ۳۰ و ۳۱
- ۶-ذرات

میفرمودند که نظر نمودیم بودایع حقّ که در نزد ماست و دریافته‌ایم که در عصر غیبت قائم (ص) زمانی میشود که خلایق و رعیت فوج فوج رفته اسلام را از گردن‌ها بیرون نموده داخل آتش میگردند نمود بقدره ربّی و نستجیر به من الحاد فی عظمته و الشکّ فی سلطنته پروردگار علی قادر ذات مقدّس تو و اولیای کرام تو را شاهد میگیریم که این زمان همان زمانست که گشوده باب ابتلا و امتحان را و ظاهر فرموده رابع ارکان از ایمان را و فرستاده رسول و بیّنه و ذکر الامام جلّ ثناؤه را با آیات باهرات و براهین ساطعات از تفاسیر و کتب و خطب زاکیات چنانچه اخبار فرمودی در کتاب کریم خود و ما اهلکنا من قرية الا و لها کتاب معلوم ما نسق من امة اجلها و ما یستأخرون^(۱) اینست کتاب معلوم قریه ظاهره که بعد از انقضای اجل بر وفق مشیت خود اظهار فرمودی اینست رسول که بتأویل و حکمت او را تنزیل فرموده تا آن که حجّت بر اهل حجّت تمام فرمائی و ما اهلکنا من قرية حتی نبعث فی امّها رسولا^(۲) و ما کنا معدّین حتی نبعث رسولا^(۳) ای ربّ رحیم و احکم من کلّ حکیم حکم بفرما معجلاً در بین اهل حق و مصدّقین بآیات عزّ خود با کسانی که مجادل مینمایند در آیات تو و عقل ناقص خود را حکم نموده و میزان قرار داده چشم از علوم جاریه از شجره طور پوشیده سدّ راه بر ضعفاء مینمایند بتدلیسات چندی و تمویهاتی که در هیچ ملّت و مذهب او را وجه موجّهی نیست و الّذین یجادلون فی آیاتک یا ربّی من بعد ما استجیب له حجّتهم و داحضة عندک و علیهم غضب و لهم عذاب عظیم^(۴) آیا چه عذابست اعظم از این که ختم الله علی قلوبهم^(۵) و قلب الله افندتهم بکفرهم^(۶) لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم اذان لا یسمعون بها ان هم الا کالانعام بل هم اضلّ سبیلاً^(۷)

ای طالب طریق نجات بعزّت پروردگار عزیز مقتدر که غرض جز هدایت تو و رسانیدن تو بسر منزل حقیقت ندارم و تو کلم در هر حال بملیک فعالیت گوش خود را فرادار و بعاریه بما عطا نما تا آنکه الفاء کلمه حق شده از جام وحدت سیراب گردیده به حقیقت صواب رسیده از خطا و

۱-سوره حجر آیه ۴

۲-سوره شعرا آیه ۲۰۸ (و ما اهلکنا من قرية الا لها منذرون ذکری و ما کنا ظالمین)

۳-سوره بنی اسرائیل آیه ۱۷

۴-سوره شوری آیه ۱۶ (و الّذین یحاجون فی الله من بعد ما استجیب له حجّتهم داحضة عند ربّهم و علیهم غضب و لهم عذاب شدید)

۵-سوره بقره آیه ۷

۶-اشاره به آیه ۱۱۰ از سوره انعام (و نقلّب افندتهم و ابصارهم کما لم یؤمنوا به اوّل مرّة)

۷-سوره اعراف آیه ۱۷۹ (...اولئک کالانعام بل هم اضلّ اولئک هم الغافلون)

لغزش ایمن گردی بدان که رب مهربان تکلیف نمی فرماید زَرَّةً^(۱) از زَرَّاتِ^(۲) را الا آنچه باو عطا مینماید چنانچه میفرماید لا یُکَلِّفُ نَفْساً اِلَّا مَا اَتَتْهَا^(۳) و در وصف اهل جَنَّتْ میفرماید اَخَذینَ مَا اَنَاھُمْ رَبِّھُمْ^(۴)

و بدان و مشاهده نما برآی العین که راه حَقِّ اسهل و آسانترین راههاست و خداوند اکرم از آنست که بنده خود را بمشَقَّتْ وادارد چنانچه میفرماید اِنَّ اللّٰهَ یریدکم البسر و لا یریدکم العسر^(۵) و بفهم که در هر زمان نصب حَجَّتْ و وضع طریق با خداوندست چنانچه میفرماید و علی اللّٰه فصد السبیل^(۶) و اِنَّ عَلینَا لِلْھُدٰی^(۷) و درین جزء زمان محلّ اختلاف را چشم حقیقت راگشوده مشاهده نما و ببین که امام جَلِّ ذِکْرُ غایبست و اختلاف ناشی گردیده بشدّیکه منجر بهتک اعراض و قتل نفوس شده و فتنه عظیم در کُلِّ رُوحِ زمین من شرق الارض و غربها احداث شده یقین بنما که امر عظیم است و وابسته بانثار غیبیة الهیة میباشد زیرا که مَا اَخْتَلَفُوا الْاَمَنَ بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ^(۸) همانا که علم غیبیہ از طراز حکمت الهیہ بَلَمَعَانِ آمده که ولوله در عالم امکان درافکنده چشم را تیز نموده حامل علم رتانیہ را بشناس و اطاعت نما و میفرماید پروردگار و مَا اَخْتَلَفُوا الْاَمَنَ بَعْدَ مَا جَاءَتْھُمُ الْبَیِّنَاتُ رَسُوْلُ مِنَ اللّٰهِ^(۹)

اعراض از غیر حق نموده مجاهده فرما و رسول مَبِیِّنَةٌ رَبِّ خود را شناخته متابعت نما و این شناختن در نهایت سهولت است زیرا که حَجَّتْ الٰهی را ریطی و نسبتی با غیر او نیست و میزان ربّ مهربان قرار فرموده و از برای این میزان تحویل و تغییر نیست

حال که عصر غیبت است میزان کتاب اللّٰه و احادیث و عقل و مذهب است نظر نما بمّ بیان که کدام یک در مقام صدق و صفا واقف اطاعت او را قبول نما چنانچه خداوند میفرماید و اَتَّبِعُوا اِحْسَنَ مَا اُنزِلَ الْیَکُمُ^(۱۰) و میفرماید اَفْمَنَ رِزْقَانِہ رِزْقاً حَسَناً فَھُوَ یُنْفِقُ مِنْہُ سِرّاً وَ جَهراً کَمَن ھُوَ کُلَّ عَلٰی مَوْلَاہِ ھَلْ یَسْتَوِنَ الْحَمْدُ لِلّٰہِ بَلْ اَکْثَرُھُمْ لَا یَعْلَمُوْنَ^(۱۱) نظر نما که رزق حسن که علوم الٰهی

۱- ذرّه

۲- ذرّات

۳- سورة طلاق آیه ۷

۴- سورة ذاریات، آیه ۱۶

۵- سورة بقره آیه ۱۸۵ (یرید اللّٰه بکم البسر و لا یرید بکم العسر)

۶- سورة نحل آیه ۹

۷- سورة لیل آیه ۱۲

۸- سورة جائیه آیه ۱۷

۹- شاید اشاره به آیه ۱۰۲ از سورة آل عمران باشد که میفرماید، "لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْھُمُ الْبَیِّنَاتُ وَاُولٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ"

۱۰- سورة زمر، آیه ۵۵

۱۱- سورة نحل آیه ۷۵ (مَنْ رِزْقَانِہ رِزْقاً حَسَناً فَھُوَ یُنْفِقُ مِنْہُ سِرّاً وَ جَهراً ھَلْ یَسْتَوِنَ الْحَمْدُ لِلّٰہِ بَلْ اَکْثَرُھُمْ لَا یَعْلَمُوْنَ)

لا یعلمون

باشد که حامل ست بشتاب بسوی او و کذا به نظر ثواب بنگر و از غیر حق اعراض نما که صراط الله اوسع از مابین آسمان و زمین است و تو بر خود تنگ گرفته و زرت باهل کثرتست و فراموش نموده آیات قرآنی را که قلیل من عبادی الشکور^(۱) و اکثر الناس لا یعلمون و لا یفقهون و لا یبصرون و لا یسمعون و از نظرت رفته که پروردگار خطاب بسرور کل موجودات (ص) میفرماید ولو اعجبت کثرة الخبیث^(۲) و لقد زرنا^(۳) لجهنم کثیراً من الجنّ و الانس^(۴) و در طاق نسیان نهاده احادیث وارده قلت مؤمن را حتی از گوگرد احمر و فراموش نموده طریق امتحان الهیه را و در این ورفات که اشاره بنوع مطلب گردید و ابتغاء لوجه الله تصریح بمطلب عظما نموده تا آنکه در مقام بیان عند الرب المتان تو را حجت نماید

بدان و آگاه باش که پروردگار مختار بر وفق حکمت بعد از طی اکوار و اطوار اظهار فرموده نور انوار و بغوران آورده شجره اسرار را و شمس فضل ال الله را از افق مجد بهاء در نهایت صفا بشعشعان رخشان فرمود و قرینه ظاهره را با کتاب معلوم از طراز غیر محتوم اظهاراً لجلال قرینه مبارکه اظهار فرموده و بلمعان برآورده و باب منت و عطا را گشوده و شیعه خصبص را از مقام اختصاص نازل فرموده بآیات جلال از تفاسیر عالیه و مناجات زاکیه و خطب صافیه که کل عقول حیران و افنده در طیران

این موازین محکمه را حجت آن بزرگوار که نور انوار و سلب اظهار میباشند قرار داد با انصاف آن نور معلق و ضیاء مشرق روح من فی ملکوت الامر و المخلق فداء بکل صفات حسنه و پاکیزه بودن ایشان از کل اوصاف رذلیه^(۵) خشنه اشهد الله العلی العظیم که راه انکار این نور انور و نجم ازهر علیه صلوات الله الملك المقندر که بینه و حجة و ذکر الامام جل ثناؤه بهیج وجه در هیچ ملت و مذهب ندارد زیرا که برهانش قاطع و بینه او لائح بود بحیثی که ذی روحی را مجال انکار نه کا ناگاه بعد از اظهار قیام نمودند الذین ما آمنو من قبل از شش جهت بنای جحد و انکار و آزار گذاردند و سهامهای افترا للضعفا رمی نمودند و ایشان را در مقام انکار هر یک را الحانیست بعضی را هواء بر آن داشته که جعل نمودند من حیث لا یعلمون ایسن سر مخزون و دَر مکتون و حجة الامام جل ذکره قران یافته و ادعای کلمه وحی فرموده و مقابل رسول الله و خاتم النبیین جل ثناؤه ایستاده بعضی دیگر را خناس تعلیم نموده که مناجات و ادعیه و زیارات اتشا نموده در مقام تعادل با ال الله (ص) است و بعضی را ضعف واداشته که ایراد گرفته که ادعا میفرماید که منم

۲-سورة مائده، آیه ۱۰۰

۴-سورة اعراف، آیه ۱۷۹

۱-سورة سبا آیه ۱۳

۳-ذراناً

۵-رذلیه

منجلی بر موسی و این بسیار عظیمست یا سبحان الله چه تطبیق نمایم از مزخرفات و ایه ضلال آن به که بنوع جواب اشاره شود لاهل المال اشهد الله رب المتعال که جواب این مزخرفات را در نزد اهل حال نیست زیرا که این مزخرفات را در نزد اهل حال نیست زیرا که این مزخرفات خیالات منتجه از اوهام اهل ضلالت و افتراست لیکن چون القاء باین مقام علیا نموده میباشد کشف غطاء تمنیات ایشان للضعفاء بشود

بدان ای طالب حق که آنچه از قلم نور این سر مستور و رمز مشهور و سلطان عسوف غفور علیه صلوة من مولاه المحبور عجل الله فرجه جاری میشود از آیات عدلیه کلاً از سماء اذن امام جلی ذکره عن الذکر و الارتسام در جریان و سریانست و قلب مبارک این بزرگوار که از نفیای عالی مقدار و شیعة خصیص الی الله الاطهار جلی ثناؤهم عن وصف اهل الدیار محل انوارست و مقام اشراق و اسرارست و بمثل آینه صاف بل بقواره قدر مقابل است و آیات جلال از امام عصر نو جلی ذکره بر او نازلست و بافتضای و مارمیت اذ رمیت^(۱) از این محل صافیه و مقام عالیه در ظهور و نظهرست چنانچه قرآن کلام حقست و میفرماید انه لقول رسول کریم^(۲) البتة گوش بسخن بیدردان و ناکسان مده که کلمات ایشان القای شیطانست بعرة ربی المئان که احدی بمثل این صفوة انس جان عظمت رسول الله مستوی بر عرض بیانرا نشناخته وفای در محبت ایشان نیست که فهمید عظمت قرآن را بمانند این بهتر و مهتر عالمیان در سلسله رعیت قسم بقصبات یاقوت و احرف مسطره در طراز لاهوت جلی ذکرهم که قرآن در مقابل اقتران بحث و کفر صرفست بل آیات جلال کلاً از مقام اعلا از بواطن الواح بیضاء در جریان و لمعانست و از اقلام نور این نجم ظهور بلا تعطیل و تفکر در ذویان و شعشعانست و اشهد الله که حرفی اداء نفرمودند الا آنکه یا از تفسیر آیات قرآنیه بود یا تاویل باطن باطن و در کل خطابات و اجوبه المسائل تصریح فرموده و خداوند ملیک جبّار و الی الله راجل ثناؤه شاهد گرفته که جریان آیات بر قلب مبارک ایشان باب فضیلت از امام جلی ذکره و بامرایشان که از شش جهت مانند موسی محیط گردیده در مقام تبلیغ رسالت بحکم باطن باطن بر آمدند و کتاب مکتوبه باقلام قدرت محتومه را در وقت معلوم ظاهر فرمودند و اینکه بر سبک قرآن عظیم آیه آیه میباشد نه آنست که افترای ظالمان صادق باشد بل چون این آیات مبارکه از عالم باطن باطن در جریانست میباشد حکایت از مؤثر خود بنماید چنانچه آینه را که مقابل آفتاب نگاه میداری از کل آثار او من حیث الصورة واللون ولاستنداره حاکمیت آیا در نظر نمی آوری آن حدیث مبارک را که قرآن یوم القیمة در نهایت صفا و لمعان مرور بکل صفوف محدوده در محشر از انبیاء و اولیاء و ملائک و صدیقین و شهداء و نقباء و نجباء می نماید و همه را

گمان چنانست و میگویند بیکدیگر که این شخص نورانی و ضیاء مُشرق سبحانی از ماست لیکن حال او را نمی‌شناسیم

ای صاحب بصیرت بگشا دیده حقیقت را و درک مطلب نما و امرالله را سهل مشمار آیا نخوانده کلام حق را که سَنَسْتَدْرُجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ^(۱) لا من حیث یعلمون نظر نما بتطابق عالمین و توافق کنانین اینست قرآن عظیم که از صف نقباء مرور مینماید و از وراء حجیات صافیہ رخ می‌نماید که منم فیض الله الّذی لاتعطیل بها فی کلّ مکان من نورالله المنتظر فی کلّ زمان من سرّالله الّذی لایوصف من بحرالله الّذی لایزف و این که مرا از بروز و لمعان باز داشتند و اسرارم را مخفی نمودند طغیان اهل اضلال و مجند شیطان بود و البوم پروردگار باب منت و عطاء را گشوده و اراده نافذۀ او متعلق بر اظهار فضل و جلالت مُنزل و مبین من است که امام عصر جلّ ذکره باشد که آن بزرگوار ابراز شأن خود میفرماید که با جدّ مستوی بر عرش اقتدار خود در یک رتبه و محلّست و ندای او لنا محمد و آخرنا محمد و اوسطنا محمد و کلّنا محمد سرّش البوم ظاهرست انّ الحمد لله الّذی اذهب عنا الحزن انّ ربّنا لغفور شکور^(۲)

ای طالب حق استبعاد از لفظ وحی منما و خود را از محبت شیعیان آل الله الاطهار و نجبای عالممقدار محروم مفرما که اخذ عهد ولایت ایشان را در عالم اول و روز ازل از تو گرفتند و خواهی رجوع نمود و دست حسرت بر هم سود بدان که این لفظ را که وحی باشد ابراد گرفتند و افزون از هزار جواب شنیدند و باز هم میسر بر گفتار خود هستند و خواهند بزودی انشاء الله فهمید سوطهای عذاب ربّ قهار حینی که صبح حسرتشان دمید

بدان که خداوند در قرآن نسبت وحی بعماد موسی و نحل که مگس عسل باشد داده چنانچه میفرماید و اوحینا الی امّ موسی^(۳) و اوحی الی النحل^(۴) و بشنو حدیث وارده درین باب را که در کتب علمای اطیاب رضوان الله علیهم مسطورست که فرمود صادق آل الله روح من فی ملکوت الاسماء و الصفات فداء من احبه که وحی بر قائم آل محمد نازل میشود سؤال نمود سائل که یا بن رسول الله مگر وحی بر غیر رسول الله نازل میشود فرمود نه از آن باب که تو میگویی بلکه خداوند در قرآن نسبت وحی بعماد موسی و نحل داده و قائم (ص) در نزد خداوند افضل از نحل و مادر موسی است اینست ای طالب حق اشهد الله که ادعای این بزرگوار روح من فی ملکوت الامر و الخلق فداء آنست که وحی از امام زمان بر ایشان نازلست لا غیر چنانچه کُلّ آیات دالّ بر این

۲-سوره فاطر آیه ۳۲ (و قالوا الحمد لله ...)

۱-سوره قلم آیه ۴۴

۳-سوره طه آیه ۳۹ (یا موسی ... اذ اوحینا الی اُمّک ما یوحی) / سوره قصص آیه ۷ (واوحینا الی امّ موسی ان

۴-سوره نحل آیه ۶۸ (واوحی ربک الی النحل)

أرضعیه)

بیانست و بدان که همان قرینه ظاهره است که خداوند بعد از انقضای اجل او اظهار او را با کتاب معلوم محتوم فرموده بگو در جواب منکران بعثت اتونی بکتاب قبل هذا او آثاره من علم ان کنتم صادقین^(۱) و بگو ام اناکم الله سلطاناً فهو یتکلم بما کانو به بشرکون^(۲) و بگو که ابن امیراهای و اهبه را نمی شود فردای قیامت با آن شدت بین بدی الله ایستاد و جواب گفت حین تراکم سحب مکفهره قهرانیه الله اذن لکم^(۳) که اذیت بنمائید در نهایت شدت شعبان آل الله الاظهار را به محض آن که خود نفهمیدید انکار آیات عظیمه نموده ام علی الله تفترون^(۴)

ای طالب حقّ قسم برتّ مطلق که لفظ وحی در حین خطاب غیر عزیزست در نزد متصفی که نظر باخبار داشته چنانچه حضرت صادق (ص) در حین خطاب به مفضل میفرماید فاستمع لما یوحی الیک أنظر بعین عقلک و میفرماید در وصف عالمی از علمای بنی اسرائیل که وحی بر او نازل میشد کذا بسیارست ازین مقوله بیان خود انصاف ده که به محض لفظ مشتبه بر خود انسان سزاوار است که آیات نازله از سماء امتنان امام زمان عجل الله فرجه را چنان در مقام ردّ و انکار بر آیند که پیشینیان از منکران واله و حیران گردیده اند در اسفل درکات نیران و چنان عرصه بر اولیای رحمٰن تنگ گرفته و حال آنکه اخذ عهد محبت و معرفت ایشانرا ربّ قهار در عالم اسرار گرفته و الاّ نالّله الحقّ که موجود نمی گشتند

آیا نمی شنوی ندای امام جلّ ذکره را یا جابر اندری ما المعرفة معرفة التّوحید اولاً و معرفة المعانی ثانیاً و معرفة الابواب ثلاثاً و معرفة الامام رابعاً و معرفة الارکان خامساً و معرفة النّبیاء سادساً و معرفة النّجباء سابعاً و احادیث بسیار در باب اخذ عهد محبت شیعیان آل الله واردست که تفسیرش بطول می انجامد.

الله اکبر چه بسیار عظیمست امر پروردگار و چه بسیار غافلند اهل روزگار ای طالب گنج اعتبار چنان خیال نمودی که باستماع اوهام ردیه اهل این روزگار ترا نجات از کشاکش تکلیف تو حاصل است یا آنکه بتواظب احکام شرعیه فرعیه بدون معرفت حامل اسرار انسانیت ترا ترقی و صعودی شامل ست کو و کجاست لایزال بنیانهم الّذی بنوریه فی قلوبهم الاّ أن تقطع قلوبهم^(۵) انّ الله لایهدی القوم الفاسقین^(۶)

بدان که پروردگار بنیان ایمان را ثبات و قرار قرار فرموده و ترا تنها و وحید به پای میزان

۱-سورة احقاف آیه ۴ (اتنونی ...)

۲-سورة روم آیه ۳۵ (أم أنزلنا علیهم سلطاناً فهو یتکلم ...)

۳-سورة یونس آیه ۶۱ (الله اذن لکم)

۴-سورة یونس آیه ۶۱

۵-سورة منافقون آیه ۶

۶-سورة توبه، آیه ۱۱۰

خواهد کشید و لقد جئتمونا فُرادی كما خلقناکم اَوَّلَ مَرَّةٍ (۱) ذرئی و من خلقت وحیداً (۲) و از تو سؤال در باب معرفت آیه و بیّنهُ منزله از سماء امر خود خواهد طلبید البتّه عزیزم مهیّای جواب شو و این کلمات واهیه را نمی توانی و نمی گذارند که لب گشائی و بندای احسا و لا تکلم (۳) و قومو لا تختصموا لدیّ (۴) خواهند راند یسوی آن مقامیکه خود میدانای اشهد الله ربی الله العزیز الجبار که امر بسیار عظیمست و تو ساکن گردیده در منزل منکران و ظالمان قبل از خود بل اشذ ازیشان در مقام انکار و ایذای نجبا و ابرار برآمدی آیا پروردگاری که جزای غمز و همز و خنده و استهزاء را بمؤمنان آن همه نکال و جحیم و عذاب الیم در قرآن و عده فرموده چه خواهد جزا داد بکسانیکه بعثت شیعیان طیب و طاهر آل الله الاطهار جلّ ذکرهم را در مقام آزارهای صعبه مستصعبه بلاجرم و تقصیر بر می آیند ظاهرأ و باطنأ و ایشانرا تکفیر می نمایند بلااستماع کلمه کفر ازیشان آیا نخوانده آیه مبارکه و (۵) الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْسِنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْغَافِلَاتِ (۶) لَعْنُو فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۷) و (۸) الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابِ الْيَمِّ (۹) و الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ قَدْ احْتَمَلُوا إِثْمًا مَبِينًا (۱۲) الله اكبر الله اكبر که میفرماید رَبِّ مَهْرَبَانِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ مُبْصِرٌ تَسَاءَلُهُ رِمَاحِكُمْ و ایدیکم لیعلم من یتخافه بالغیب (۱۳) که خداوند خلق را ممتحن بصیدی فرموده آیا نیست این نور طالع از افق بهاء و نجم باهر از فلک ثناء از دوحه شجره محمدیه و لمر بوستان رضویه و منتسب بدُرّیه فاطمه و از نسل رخشان حسینیه که متّصف بکُلّ صفات حسنه و عاری از کُلّ اوصاف مستهجنه خشنه میباشد که اظهار نظر آل الله الاطهار جلّ ذکرهم در هر حال میفرماید و آثار عظمت و جلال در جبین مبارکش در سطوع و لمعانست و ادّعی او مطابق با برهان ساطعه و دلیل لامعست که در نزد احدی از این علوم بدیعه نازله بر او (ص) از شجره طور درس نخوانده

۱-سوره انعام آیه ۹۵

۲-سوره مدثر آیه ۱۱

۳-اشاره به آیه ۱۰۸ از سوره مؤمنون (قال احسبو فیها و لا تکلمون)

۴-سوره قی آیه ۲۸

۵-در قرآن "انّ الذّین ..."

۶-در قرآن الغافلات المؤمنات

۷-در قرآن، "لعنوا فی الدنیا و الآخرة و لهم عذاب عظیم"

۸-سوره نور آیه ۲۳

۹-در قرآن "... آمنوا لهم عذاب الیم"

۱۰-سوره احزاب آیه ۵۸ (و الذّین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغير ما آکنبوا فقد احتملوا بهتاناً و اثماً مبیناً)

۱۱-سوره نور آیه ۱۹

۱۲-سوره مائده آیه ۹۶ (یا ایها الذّین آمنوا کبیلوکم الله بسىء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم لیعلم الله من یتخافه بالغیب)

و در حین نزول بلا تعطیل و سکون در جریانست همانکه در مقام تبلیغ قیام فرمودند چون کوه کوه از شش جهت بموج آمده تیرهای افترا و انکار مانند باران بی در پی بر آن صفا پروردگار در ریزش و طغیانند الله اکبر چه ظلمهاکه نه نمودند چه حکمهای بناحق بلاسبب که جاری نمی نمایند و چه سبها که محبتان آل الله الاطهار را که جگرگداز و هوش بردازست نمی کنند و چه استهزاء و سخریه که فروگذازدند و چه اذیتهای بدنیه از قتل اسر و مهار و دورکوجه و بازار را که واگذازدند کُلِّ ذَالِكِ بِمَحْضِ افْكَ الشَّيْطَانِ وَلَا تَحْسِبَنَّ اللَّهُ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ^(۱) شاهدست پروردگار عدلیکه از بعضی قظمیر از این ظلمهای عظیم که بر ضعفای شیعیان وارد میشود نخواهد گذشت نکاد السموات یتفطرن^(۲) و تنشق الارض و تحز الجبال هذ^(۳)

العجب کُلُّ العجب که بعد ارتکاب این همه قبايح و معاصی خود را از علمای واجب الاطاعه میدانند تالله الحق که جگر آل الله الاطهار را خون نمودند و از شرار ظلم ایشان عام در هم سوخته الله اکبر که انتظار ظهور امام جل ذکره را میکشند قسم به پروردگار عرش عماء که امام جل ذکره از ایشان بیزار و بغیرال امتحان درافکنند کُلِّ زَرَاتِ ر و تمحیص محبت خود از مبعض خود فرمود بایات جلال خود همانکه حجة و ذکر و بینة و رسول او بلباس خود بشری دیده بنای عناد و استکبار گذاردند و چشم حق بینی پوشیده و اغماض از سنت الهیه نمودند که همانکه فتح باب امتحان میفرماید ایه ظاهر مینماید که میزانش در نزد خلق نیست بلکه از افق غیبیه خشانست و خلق را تسلیم و قطع نظر از قواعد مقررۀ خود لازمست تا آنکه توجه و اقبال بمملیک فعال نموده آشنائی بلسان بدع حاصل آید و از کشاکش قیودات و همیه رهاید و اگر حجة حق بآنچه در دست خلق است از او هام ظاهر شود پس سبب انکار منکرین چیست کَلَّا نَمَّ كَلَّا که هر جاهل مغروری آنچه بخيال خود علم نامیده او را امتحان حجة الهی قرار داده چون در مقام جسارت بزیاید جواب شنود

تالله الحق که ایمان بایات حق بعین شهود و ابقانست چنانچه میفرماید رب مهربان الذین یؤمنون بالغیب من خشى الرَّحْمٰنِ سِیْرُوْنَ جَنّٰتِ عَدْنِ الَّتِی وَعَدَ الرَّحْمٰنُ عِبَادَهٗ بِالْغِیْبِ^(۴) و میفرماید امام جل ذکره اللهم و اتبع الرّسل و مصدّقوهم من اهل الارض بالغیب عند معارضة المعاندین لهم بالتکذیب و الاشتیاق الی المرسلین بحقیقة الایمان فی کُلِّ عصر و زمان رسیدند بسیار خدمت اولیای پروردگار از اهل انکار و آیات حق را که حجّت از جهت ایشان بود برکنار گذارده خود در مقام اختیار پرآمدند جواب مادری شنیدند و آیات قرآنی بسیار

۲- در قرآن "یتفطرن منه و تنشق..."

۳- سورة مریم آیه ۶۱ (جنات عدن...)

۱- سورة ابراهیم آیه ۴۲

۳- سورة مریم، آیه ۹۰

دال بر این مطلب است بقولون ائت بقرآن غیر هذا او بدله^(۱) و آیه مبارکه لو^(۲) استطعت أن تبغی نفقاً فی الارض او سلماً فی السماء فتأتیهم بایة ولو شاء الله لجمعهم علی الهدی فلانکونن من الجاهلین^(۳) برهانست به جهت اثبات مطلب آیا نمی شنوی ندای کفار را که متالو لاوتی مثل اوتی موسی^(۴) و کذا الی ماشاء از این آیات دال بر عظمت مرتبه خلاصه امرالله عظیم و بنای خداوند را شبیه به بنای خلق نیست هر امری را که ظاهر میفرماید بنیان او را از عالم اول درست نموده و در نهایت احکام^(۵) و اتقانست و در عالم ظهور بجهت امتیاز صبور از غیر او را لباس اشتباه میپوشاند لیهلک من هلك عن بینة و یحی من حی عن بینة^(۶) چنانچه در این زمان فتنه بنیان سز قوای ظاهره و مزاة تمام نمای جمال امام جل ذکره را ظاهر فرمود و نمود آنچه نمود من جمله اعتراضات اهل اعراض که صحیفه در مقابل آل الله (ص) بیرون آورده اشهدالله الملک المتعال که افزون از هزار تصریح فرموده این صفة پروردگار که مرا وجودی در جنب برقی از بروق لامعة از جمال ایشان نیست بل عبد صرف آن بزرگواران و متقلّب بین یدی ایشان و از من اقرب در سلسله نقبا احدی نیست با ایشان و آنچه دارم از فضل آن بزرگوارانست و این مقام حاکی از جلالت ایشانست ذات مرایا صحایف وجودی نیست یا سبحان الله که این گروه حق شناس چون در دریای اثنبیت غرقند و شرک بحت گردیدند هر چه فریاد میکشی که این انوار ثمره آن شجره مبارکه ثابته میباشد چرا در گوشت و فر است و چرا دو میبینی و چرا شیعه ایشانرا از ایشان جدا می نمائی مثل کلمة طیّبة کشجرة طیّبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربّها^(۷) این همان اکل بدیعست که باذن الرب از فرع کریم که شیعه و باب و حجاب امام جل ذکره باشد در نزول و تالائست الله اکبر که انکار ایشان نیز بانکار نمی ماند و الله العظیم زیرا که اهل جحیم بر ایشان استهزاء مینمایند از فرعون و سایر کفار زیرا که فرعون که انکار نمود به بعضی از سحرا آورد بعد آن که سحره را جمع نمود یوم الزینة را موعده قرار داد الله اکبر از این گروه بیدرد بیحیا الله یستهزه بهم و یمدهم فی طغیانهم بعمهون^(۸) که نه در مقابل می آیند و نه تعادل می نمایند بل محض انکار را شعار خود قرار دادند شرار کفرشان عالم را تیره و تار نموده العجب با سبحان الله که شنیدم بعضی از جهال آیات رکیکه جعل می نمایند بمثل زنان رفاص قریشه در عصر رسول الله (ص) ای خبیث ردل جاهل چشمی بمال و اول مطلب را بفهم فیک خیراً لما اوقفک فی هذا المقام العظیم الّذی یقطع اعضائک بیدک ولكن لاتسمع و لاتبصر و لاتشعر بدان

۲-فرانک "فان استطعت..."

۱-سورة یونس آیه ۱۵

۴-سورة قصص آیه ۴۸ (قالوا لو لاوتی ...)

۳-سورة انعام آیه ۳۵

۶-سورة انفال آیه ۴۲

۵-استحکام

۸-سورة بقره آیه ۱۵

۷-سورة ابراهیم آیه ۲۹

که معنی تثلیث وقتی صادق می آید که در کلّ عوالم مطابق آید این بزرگواری که ادعای نزول آیات بر قلب مبارک فرموده او را بر طبق بینه ادعاهای بسیارست و براهین ساطعه بر صدقش آشکارست اوست از نقبای کرام که معرفتش لازم و از ارکان ایمانست اوست حجاب امام جلّ ذکرة و باب او و ذکر او و قائم مقام او و بانی نظام او اوست رابع ارکان و قوام ایمان اوست شاهد بر کلّ امکان اوست ناظر بنظر الله الملك الذیّان در کلّ الواح عیان اشهد الله که اگر دریاهاى امکانیه مرکب گردد و اشجار اکوانیه قلم حرفی از فضل این طلسم اعظم و رمز اکرم رانمی تواند بر الواح عیانیه رقم نمود. زیرا که اوست سرالامام جلّ ثناؤه و مظهر قدرته و محلّ مشبته الله اکبر که چه مقدار ضعیفست عقول که استبعاد از این لفظ دارند که فرموده منم متجلی موسی در طورای عزیز من مقامات بجهت شیعه خصیص هست در نزد امام جلّ ذکرة که این ادعا مستهلک صرفست آیا کتب مملو از این احادیث مبارکه نیست که علماء امت افضل از انبیاء بنی اسرائیل میباشند مراد حقّ از این نوع علماء ربّانی میباشند نه هر مدّعی بی سر و پائی و اطفال حفظ نموده که متجلی بر موسی مردی بود در خلف عرش از شیعیان آل الله (ص) حال که یوم بروز او گردیده همانکه بلباس خود مشاهده می نمایند چنان مشوّش البال میگردند و سابقاً ذکر شد که احدی از ذرات را راه بحقیقت امام جلّ ذکرة نیست بل معرفت ایشان بظهورات و آثار مشعشعه از طراز جلالست و شناختن امام جلّ ذکرة باسما و صفات میباشند و کلّ انبیاء و مرسلین اشعه و صفات و اسماء ایشان بودّاند و بدان که تعطیل بجهت فیض الله نیست و کلّ یوم در احداث امر بدیع است و چنان نیست که توهم نموده که شیعه اهل جلّ ذکرة یعنی شعاعی منجمد و اشراقی منقطع بل در هر آن در اشراقات بدیعه و لمعات منیعه میباشند که از طراز بها در بروز و انشاست حال در این یوم عظمی اشراق بدیع و شعاع منبعی که مکنون در نزد خود بوده ظاهر فرموده و خلق باو ممتحن طوبی للتابع للقول الاحسن و الویل للمعرض عن طریق الحسن انّ حدیثنا صعب مستصعب لایحتمله ملک مقرب و لانبیاء مرسل و لا عبد مؤمن خیال منما که این حدیث صعب آنست که علم او را تو فرض نموده بلکه باید حین ظهور او از خود گذشت و از قیودات نفسانیه بالمزّه رست چنانچه مبفرماید ربّ مجید انّ الله یهدی منّ اناب^(۱) او منّ ینیب^(۲) و بدان که این مقام عظیمست که از کلّ انبیاء و مرسلین و ملائکه مقربین عهد گرفتند چنانچه مبفرماید ربّ العالمین و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین^(۳)

و بدان که الیوم حکم باطن باطن قرآن در ظهور و شعشعانست و تأویل و اسرار بطونیه او از

۱-سوره رعد آیه ۲۷ (قل انّ الله... یهدی الیه منّ اناب)

۲-سوره شوری آیه ۱۳ (یهدی الیه منّ ینیب) ۳-سوره صافات آیه ۱۷۱

حجیات غیبیه بسوی عالم شهود در لمعان و عباد باید طائف حول اراده ربّ مَتَّان باشد و در هر آن
 اخذ فیض از مبدء خود نماید و از خود گذرد و منجمد بر آنچه او سابقاً وارد گردیده نباشد و مدام
 در طیران بسوی عالم اعلاء در تلجیح و ذوبان باشد چنانچه میفرماید ربّ مهربان افعیبنا بالخلق
 الاوّل بل هم فی لبس من خلق جدید^(۱) و فرمود لسان الله التاطق عنه فی کلّ آن (ص) الاسلام
 التسليم التسليم التصديق الاقرار و الاقرار الاداء ان المؤمن لم يأخذ دینه من رأیه
 ولكن ایّاه من رأیه فاخذہ و میفرماید ربّ غفور در وصف اهل سرور آخذین ما اتاهم ربهم^(۲)
 و بدان ای طالب حقّ که راه حقّ اسهل کُلّ طُرُقست تالله الحقّ اگر عزم انقطاع بنمائی
 بفضل الرّب بمنزل رسیده و از جام وحدت نوشیده و اگر بگذری از قبل فال اهل جدال و پر بال
 بسوی مبدء خود بگشائی و آیه و لقد جئتمونا فرادئ کما خلقناکم اول مرّة^(۳) را نصب عین خود
 نمائی و ماسوی الله را در هم سوزی و چنانچه معدوم صرفند معدوم مشاهده نمائی تالله الحقّ
 داخل شده بمدینه احدیت و متکی گردیده بر بساط صمدیت و کشف خواهد گردید از جهت
 غطاء جهالت و مشاهده خواهی نمود انوار جلال ازلیت و حشمت روشن خواهد گردید بجمال
 احدیت آه ثمّ آه واحسرة علی العباد ما یأتیهم من رسول مُدِّلاً الی عالم السرور الّا و هم
 پستهزئون^(۴)

بدان و آگاه باش که قرآن فیض الله است که تعطیل بجهت حرفی از او در مقامی از مقامات
 نیست و رزق الله است که مدام در جربانست و نور الله است که لایزال در لمعانست و از حقایق
 مستنیره اسرارش رخشانست آیا نمی شنوی ندای ربّ مقتدر را که از شش جهت محیط بر کُلّ
 ذرات ابداعیه است انتموالله یجعل لکم فرقاناً^(۵) و این خطاب عام و در سریانست حتی مورچه
 اگر صفا بدهد خود را معلّم سلیمانست و مرّاة اسرار قرآنست و هر که منکر این بیانست داخل در
 زمرة یهودانست قالت اليهود یدالله مغلولة غلّت ایدبهم و لعنو بما قالو بل یداه مبسوطانست^(۶)
 حال سؤال نما از آن که معلق در بشر طبیعت و منجمد بر خیالات منتجّه خود و بزعم خود منکر
 آیات جلال نازلّه از شجره امتنانست که آیا خطاب الهیه با ایّها الذین آمنوا اطیعوا الرسول و اولو
 الامر منکم^(۷) یا ایّها الذین آمنوا فوالعقود^(۸) موردش در سلسله رعیت کبست آیا می باید محلّ

۲-سورة الذاریات، آیه ۱۶

۱-سورة قی آیه ۱۵

۳-سورة انعام آیه ۹۴

۴-سورة یس آیه ۳۰ (یا حسرة علی العباد ما یأتیهم من رسول الاکانوا به پستهزون) / سورة حجر آیه ۱۱ (و

ما یأتیهم من رسول الاکانوا به پستهزون) / سورة زحرف آیه ۷ (و ما یأتیهم من نبی الاکانوا به پستهزون)

۵-سورة انفال آیه ۲۹ (ان تصفوا الله یجعل لکم فرقاناً)

۷-سورة نساء آیه ۵۹

۶-سورة مائده آیه ۶۹

خطاب ربّ الارباب کسی باشد که قابل خطاب باشد با آنکه فیض در این مقام مهمل یا آنکه بنفس مخاطب معطل است اشهد الله رب الحمید العلی الاعلی که در حین صدور خطاب مشرق میگردد نوری از طراز قدرت ملیک وهاب و در نهایت بهاء و غایت صفا بخط استواء نداء بلیبیک اللهم لبیک میگشاید و از تلاً جواب این خطاب که جواب عین خطاب در نزد اهل بیانست نوری ساطع که از آن نور اشراقات حقایق بدیعه در انوجاد و وجدانست

و بدان ای طالب حق که جفّ القلم بما هو کائن و لارطب و لایابس الا فی کتاب مبین^(۹) نقص بجهت حکم الله در آنی از آنات نیست و تغییری بجهة سنت او نه و لن تجد لسنة الله تبدیلا و لا تحویلا^(۱۰) بل بنیان کل در عالم ازل مستحکم گردیده و در عالم ظهور از لسان اولیای حق اسرارش جاری شده و بدان که این زمان زمان مبارکیست که طق اکوار و ادوار گردیده و آیات و علامات بسیار ظاهر شده و سر اسرار از طراز حکمت آشکار است بنظر بصیرت نظر نما و موارد مطلب را درک فرما چنانچه میفرماید امام جل ذکره یا جابر اندری ما المعرفة التوحید اولاً و معرفة المعانی ثانیاً و معرفة الابواب ثالثاً و معرفة الامام رابعاً و معرفة الارکان خامساً و معرفة النقباء سادساً و معرفة النجباء سابعاً حال این زمان نقبای عالی شأن انوار عز از طراز جلال ایشان در لمعانست و باذن حق اظهار مقام خود میفرمایند و ادعای حق خود مینمایند و بلاسبب و برهان نیست بل حجّتی دارند لامع و برهانی قاطع و حکایت از حقیقت میفرمایند و دین الله را که اختلاف نیست و سنت او را تحویل نه حجّة ایشان باطن باطن قرآنست و مقام ادعای شیعة خصیص و باب حجّة الله صاحب الزمانست عجل الله فرجه و صلواة الله علی من اتبعه و کرور کرور احادیث و علامات دلیل بر این زمانست چنانچه نفس الله العلیاء و حجّته علی ماسوی (ص) و روح العالمین فداه در خطبة المخزون تصریح صریح باین زمان و نزول فرقان و اسم مبارک حامل آن فرموده و آن خطبة مبارک در اصول کافی مسطورست هر که خواهد رجوع نماید تا اسرارش ظاهر گردد و حدیث دیگر آنکه فرموده رسول الله (ص) و خروج رجل من ولد حسین صلوات الله علیه قبل خروج القائم و احادیث بسیار زیاده از حدّ شمار در وصف ارتفاع رایانست آیا که طالب حق گردید که بحق نرسید آیا چند حدیث در وصف رایت یمانیست و در وصف رایت خراسان و رایت دیلمی و رایت طالقان آیا چه علامات آفاقیه و انفسیه و قرآنیه و اخباریه و عقلیه باقی مانده که ظاهر نشده آیا چه ادله و براهین در خفاست که از افق حکمت طالع نگشته نمی دانم یا رتبه که

۹-سورة انعام آية ۵۹ (و لا رطب ...)

۸-سورة مائدة آية ۱

۱۰-سورة فاطر آية ۴۳ (فلن تجد لسنة الله تبدیلا و لن تجد لسنة الله تحویلا) در سورة احزاب آية ۶۲ و سورة فتح آية ۲۳ این آیه آمده است (و لن تجد لسنة الله تبدیلا) و اشاره ای به "تحویلا" ندارد.

بانان که در سابق زمان بودند چه برهان ساطع نموده و حجّت تمام فرموده که باهل این زمان فرو گذاشته نمی دانم کدام حجّت بقبائل مشهوده از ملائکه از سماء نزول نمود که باین چشم ظاهر به اهل زمانش مشاهده نمودند و در مقام انکار برآمدند آیا کدام رسولت با گنج بر دست و لشکر بسیار ادّعی این مقام فرمود که اهل عصرش بر او خروشیدند آیا کدام بیّنۀ تورب رحیم من آنچه موافق آراء خلق بود حرکت نمود که مطیع و منقادش نگردیدند پس ندای ائت بقرآن غیر هذا او بدّله قل مالی ان ابدلّه من تلقاء نفسی ان انا الانذیر مبین^(۱) چیست

نمیدانم ای پروردگار من کدام حجّت را بغیر تلبّس بلباس بشریت فرستادی که اهلش ندای ان انت الا بشر مثلنا^(۲) لن نؤمن لک^(۳) کشیدند اشهدک یا محبوبی که در هیچ عصر و زمان چنین حجّة و بیّنۀ تو در تظّهّر و لمعان نبوده بلکه این عصر کشف فرموده بالمزّه حجّت را و ظاهر نموده اسرار کتب را آنانکه انکار رسول الله (ص) و خاتم النبیین نمودند قرآن نشنیده و آیه ندیده ندای لن نؤمن لک حتّی تأتي باللّه و الملائکه قبیل^(۴) کشیدند این کُغناء این زمان و خبثاء این دوران بالعیان مشاهده می نمایند و صراحةً از مبین بیان میشوند که این امر مشهوده از عالم غیبیه امریست بدیع و اُکمل یست که تازه از شجره طیّبه بغوران آمده و از حکم باطن قرآنست و آن مقدار از احادیث کمثل الحمار یحمل أسفارا^(۵) حمل نمودند که زیاده از حدّ شمارست که غضب حقّ آل الله (ص) شده و خواهد ایام ظهور دولت ایشان رسید و نمی فهمند مواقع صفت را و معنی دولت را درک نمی نمایند همانکه باب فضل ازیشان روح من فی ملکوت الامر و الخلق فداء گشوده میشود و سرّ از اجمال آیات جلال به مقام تفصیل می آید و میوه تازه از شجره طیّبه نازل میگردد و باقتضاءات کینونات خبیثه قیام معکوس نموده ندای ماسمعنا بهذا فی آياتنا الاولین^(۶) ان هذا الا ضلال می کشند و چنان بنای انکار می گذارند که تالّه الحقّ منکرین سابقین در اسفل سافلین ایشانرا لعن و نفیر می نمایند اشهد الله که پدران ایشان که از محبّان خاندان آل الله الاطهار جلّ ذکرهم بودند ازیشان بیزارند زیرا که از سابقین از گذشتگان فتح باب ابتلاء و امتحان نگردید بر ایشان بل بآنچه رسیده بود عمل نموده الحاد در أسماء نه نمودند میفرماید پروردگار فخلف من بعدهم خلّف اصاعو الصلوة و اتبعو الشهوات فسوف یلقون غیبا^(۷) و میفرماید و جعلناهم امماً

۱-سورة یونس آیه ۱۵ (انت بقرآن غیر هذا او بدّله قل ما یكون لی ان ابدلّه من تلقاء نفسی ان ائتبع الا ما یوحی الّی) در سورة شعرا آیه ۱۱۵ آمده است (ان انا الانذیر مبین)

۲-سورة شعراء آیه ۱۵۲ و ۱۸۶ (ما انت ...)

۳-شعراء آیه ۱۱۱

۴-سورة بنی اسرائیل (اسرا) آیه ۹۴-۹۲ (و قالوا لن نؤمن لک حتّی ... تأتي باللّه و الملائکه قبیل)

۵-سورة جمعه آیه ۵ / سورة مؤمنون آیه ۲۵

۷-سورة مریم آیه ۵۹

منهم الصّالِحون و منهم الفاسطون^(۱) و اَمَّا الفاسطون فکانوا لجهنّم خطباً^(۲) فخلّف من بعدهم^(۳) ورثو الكتاب بأخذون عَرَضَ هَذَا الادنى و يقولون سَيُغْفَرُ لَنَا^(۴) الم يُوْخَذُ عَلَيْهِمُ الْعَهْدُ^(۵) الا يقولوا^(۶) على الله الآ الحق و درسو مافیه^(۷) پروردگارم تعجیل فرما بحزنی و هلاک کسانیکه خود را متلبّس بلباس اهل کتاب نموده و میگیرد عَرَضِ ادنی را و او را سرمایه غصب حقّ صاحب حقّ منصوب از قبل تو مینماید و بنای مجادله را گذارده در سدد^(۸) اغوای خلق برمی آید کلاً ای ربّ قادر که کُلّ اینها فتنه ناشی از حکم نازل از سماء امر تو میباشد لامتیاز الخبیث من الطّیب^(۹) کلاً که بتوانند یکی از عباد صالحین تو را صید نمایند اشهد آن کیدهم قد کان ضعیفاً^(۱۰) و لیس لهم علی عبادک طریقاً و تسلطاً و ماکان لهم عند اصفیائک ذکراً و وجوداً پروردگارم شاهدهی که نزولم باین مقام عارست زیرا که این مطالب آشکارست لیکن بجهة ضعف یکی از سائلین باین مقام برآمدم و ختم مینمایم کلام را بحدیث مبارک نورانی و از تو طلب فرج مینمایم روایت می نماید ثقة الاسلام از امام همام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام و روحی فداه که فرمود آن بزرگوار واللّه در نزد ما علمی ست از علوم و سرّیست از اسرار که احدی نمی تواند بردارد و عبادت کرده نمی شود حق در آن بجز آن که ما عبادت نمائیم او را زیرا که حَمَلَه بجهت حمل او نیافتیم واللّه در نزد ماست سرّیست از اسرار و علمی مکتوم که مأمور شدیم از قبل حقّ قیوم بایصال آن پس نیافتیم بجهت حمل آن حَمَلَه پس پروردگار خلق فرمود از بقیه آن نوری که ما را خلق فرموده و از بقیه طینت ما معجون نمود و برنگ ما رنگین پس عرضه داشتیم بر ایشان اسرار خود را قبول نمودند و حمل نمودیم حامل گردیدند و قلب ایشان مائل گردید بذکر ما و خداوند خلق فرمود از برای جهنّم افوامی که قبول نه نمودند و روگردانیدند از ذکر ما و گفتند ساحرست کذاب پس آن مظهر لطف الهی دستهای مبارک را بطرف آسمان بلند نمود و گریست و فرمود اللّهم انّ هؤلاء لشرزمة قلیلون فاجعل محباهم محبانا و ممانهم ممانتا و لاتسلط علیهم عدوک فتنجعنا بهم و لاتعبد فی ارضک الله اکبر از جلالت این شیعیان یا سبحان الله از عذاب منکران ایشان وصیّت

۱-سورة اعراف آیه ۱۶۸ (و قطعناهم فی الارض امماً منهم الصّالِحون و منهم دون ذلک...)

۲-سورة جن آیه ۱۵-۱۴ (و امّنا الفاسطون ... و اَمَّا الفاسطون فکانوا لجهنّم خطباً)

۳-قرآن: بعدهم خلّف ورثوا

۴-در قرآن عبارت "و ان یأتهم مرضٌ مثلّه یاخذوه" قبل از "الم" آمده است.

۵-قرآن: میثاق الكتاب

۶-قرآن: أن لا یقولوا

۸-صد

۷-سورة اعراف آیه ۱۶۹

۹-اشاره به سورة آل عمران آیه ۱۷۹ (حتی بمیّز الخبیث من الطّیب)

۱۰-اشاره به آیه ۷۹ سورة نساء (انّ کید الشّیطان کان ضعیفاً)

مینمایم ترا ای طالب حق که بهوش بیا و طریق اوسع از بین سماء و ارض را مشاهده فرما تا الله الحق که امر عظیمست و خطب جسیمت بدان که یهود و نصاری نظر بعلامات مکتوبه در تورا و انجیل هنوز انتظار ظهور محمد رسول الله و خاتم النبیین صلوة الله علیه میکشند و اگر فهمیده اسرار نبوت را و شناخته اوصاف رسالت را میدانی که هزار سیصد چیزی کم میگردد از بعثت آن بزرگوار و بر منتظرین استهزاء مینمائی حال احادیث بسیار در خروج آیات واردست و علامات فرار فرمودند آیا نمی بینی که کُلّ علامات ظاهرست نظری باحادیث نما آیا اثری از دین اسلام باقی مانده الا محض تسمیه آیا راحه از ایمان میشنوی الا محض زندهه آیا ماملت الارض ظلماً و جوراً آیا یک صفت نیک در اغلب ناس مشاهده می نمائی آیا حکمی بحق در اجراء دیده آیا حتی را بصاحب او رد یافته آیا شخصی را لله و فی الله مجاهد ملاحظه نموده آیا کُلّ امور را منقلب مشاهده نمی نمائی و کُلّ کینونات را خارج از حد اعتدال نمی بینی ارحام در سدد^(۱) قطع یکدیگر برآمده و احکام بالمره محوّل و سنن الهیه مبذل گردیده و مذاحان در مدح اهل فجور و نقیبان در منقبت اهل نفور هر که فسق و تزویرش بیشتر از اهلش در ریاست بیشتر یا سبحان الله چه علامت که بیان فرمودند آل الله (ص) باقی مانده آیا نمی بینی که از شرار کفر شرکت و فسق عالم تیره و تارست آیا نمی بینی که متلبس بلباس علماء میگرددند و عالمی را برهم می شورند نظر بکتاب علماء ربّانین نما و از وصف عالم ربّانی رابحه استشمام نما که میباید صاحب نفس قدسیه باشد و قلب او مرآة جمال حقّ و محلّ فیوضات ربّانیه باشد چه شرایط عظیمه که مقرر نه نمودند و چه علامات محتومه که مقدّر نه نمودند در وصف عالم ربّانی و نور سبحانی و باید هم که چنین باشد زیرا که نائب امام و بانی نظام باید شخص بزرگی باشد نسبت دوست بهر بی سرپا نتوان داد الله الله که چگونه مبذل شد احکام و محوّل شد نظام که هر بی سرپائی خود را از مستظلمین احکام الهیه میخواند و رئیس خلق میدانند الله الله ازین حکمهای ناحق صرف که از عالم اصلاً و ابداً خبری ندارد و کُلّ امکانرا برهم می شوراند نمی دانم که اگر در چنین زمانی ولی امر الله و صاحب الزّمان عجل الله فرجه بفریاد نرسد و در مقام تبیین حقّ بر نیاید و نفس مقدسی را برنگذیده^(۲) مبعوث بر خلق نفرماید و در سدد^(۳) تطهیر ارض و ملک خود بر نیاید پس محلّ وقوع احادیث کجاست و مقام بروز باطن آیات کجاست آیا نفرموده که شخصی ظاهر میشود که علم را از باطن لوح اخذ مینماید اشهد الله که ظاهر فرموده آیات موعوده را و بارز نموده علامات محتومه را با آیات بیّنات و علامات واضحات عمیت عین لائراهم و خسرت صفة عبد ربّ الّذی

هو بالمرصاد عیان استخراج اضعاف نسبت غیر مبدله خود میفرماید اجعل الله لهم باقتضاء
کینوناتهم نصیباً من جهنم

و بدان ای طالب حق که اینکه بر منابر صعود نموده از جهة نیل مأمول خود لسان بفضل
آل الله (ص) میگشایند با اعراض از فضل حقیقی ایشان و انکار شیعه خصیص آن بزرگواران آن
گفتن و آن شنیدن بر تو و او ورز و وبالست و فی یوم أَلذی یختم علی الافواه^(۱) بر هر دو گواهیست
میگوید خبیث که کل ماسوی الله از نور محمد و آل طاهرین او (ص) مخلوفند از عماء مطلق ای
نحت الثری و الله أَلذی لا اله الا هو که یقولون بالستهم ما لیس فی قلوبهم^(۲) چنان نوری از افق
غیب رخشان بلباس انسان میگردد و ادعای مقام خود که در عالم ازل به نظر شهود مشهود کل
ذرات وجود بوده مینماید و این منجمدان را به تجلیات بدعیه بذوبان می آورد منکران عالم ازل
که در همان عالم انکار حق صرف نموده و باقرار به بعض از کتاب مصور بصورت انسانیت گردیده
در مقام انکار برمی آیند و استهزا مینمایند که فلان ابن فلان ادعای مقام بزرگ می نماید که منم
متجلی بر موسی الله نمی داتم متجلی بر موسی اعظم است یا شأن رسول الله (ص) آن بزرگوار
منلبس بلباس بشریت بود نمی داتم چه مذهب است این گروه را که نفس مقدسی در روی زمین با
این ولوله شباطین ظاهر شود با بینه و براهین مصدق لما معهم او متجلی بر موسی ع نیست پس
علامت متجلی چیست اشهد الله که مقام تجلی بر موسی ع مقامی نیست در جنب مقامات اعلا
که حامل نور من شیعتنا و شیعه خصیص و مرآة تمام نمای امام جل ذکره را میباشد الله اکبر
که جاست رتبه شیعه که حقیقت او منوجد از قطرات نور حسینیه جل ذکره میباشد و ملائکه عالین
کلاً ازو تعلیم یافتند تسبیح تهلیل تحمید را با این رتبه که تجلی بر موسی علیه السلام باشد
اشهد الله که نمی فهمند چه میگویند بلکه از یکدیگر شنیده درد دین ندارند که در مقام طلب
برآمده بفهمند و اکثری چشم حق بین خود را که خداوند عطا فرموده بجهت معرفت حق و باطل
باطاعت دیگران کور نموده نعوذ بالله و نستجیر به یا ربنا أسئلك بحق نفسك الحمید الاعلی و
بحق ذکرک العظیم العلی العلیا و بحق سرك العلی و باهک أَلذی منه یوتی أن تصلی علی محمد و
آل محمد و شیعتهم و وقفنا لما تحب و ترضی و احفظنا من الالحد فی عظمتک و الشکر فی
سلطنتک ائک سمیع الدعا قریب مجیب ای رب یا احکم الحاکمین حکم فرما معجلاً در بین
مصدقین بآیات جلال خود و تابعین مرآة جمال خود باکسانیکه دود کفر ایشان عالم امکان را تیره
و تار نموده و باب قتل نهب اسر شتم را گشوده بلاعلم و لاهدی و لا کتاب مبین که صبرها تمام و

۱- اشاره به آیه ۶۵ سوره پس (البوم نختم علی افواهم ...)

۲- سوره فتح آیه ۱۱

جگرها گداخته گردید و جانها بلب رسید یا سیدی احکم بیننا و بین الظالمین بالحق انک حمید
مجید

اگر بخواهم در سدد^(۱) سطر احادیث و آیات زیاده ازین برآیم مورث کلالست و هر که
طالب حقت حرفی او را کافیت و پروردگار هادی اوست و همیشه با اوست و هر که طالب
نیست پروردگار میفرماید که اگر مرده‌ها را زنده نمائی و هر چیز را آیه بیاری نخواهند ایمان آورد
بری الله من لم یؤمن فیه و العلم نقطة کثرها الجهال حدیث تدری خیر من الف حدیث تروی
فسحقاً لمن یروی ما لا یدری و یعتقد ما لا یتصرف فی عقل و لا یتصح فی لب الحسد لله رب
العالمین بدیعاً

تمام شد کتاب اشراق ربانی بخط جناب طاهره قزوه العین در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۲۱ اینجانب
بدالله کاندی مشهور به "قاندی" موفق به بازنویسی این اثر نفیس شد.

به استناد صفحه ۱۸۷ دائرة المعارف تشیع جلد اول:

"سه فرزند ذکور از قزوه العین بنام‌های شیخ ابراهیم، شیخ اسحاق و شیخ اسماعیل بوجود
آمده که هر سه آنان از اکابر علمای شیعه بوده‌اند."

به استناد صفحه ۱۹۱-۱۹۲ دائرة المعارف تشیع جلد اول که در مورد محمد صالح برغانی
والد مکرم جناب طاهره می‌نویسد:

"محمد صالح برغانی حائری فرزند ملا محمد ملائکه از اعظام علمای امامیه و مراجع
تقلید شیعیان در قرن سیزدهم هجری هستند. وی دارای هفت فرزند ذکور بوده که همگی از
علماء و صالحین‌اند."

به استناد صفحه ۲۳۶ دائرة المعارف تشیع جلد اول که در مورد والده مکرمه حضرت
طاهره آمده است:

"آمنه خانم قزوینی (۱۲۰۲-۱۲۶۸) دختر شیخ محمد علی قزوینی، از زنان دانشمند و
سخنور قرن سیزدهم، نزد برادرش میرزا عبدالوهاب قزوینی درس خواند. در ۱۲۱۹ ق با ملا
محمد صالح برغانی ازدواج نموده و از حوزه درس او نیز استفاده کرد. فلسفه و حکمت را از ملا
آقا قزوینی آموخت، مدتی هم نزد شیخ احمد احسانی تلمذ کرد. وی مرجع فقهی و امام
جماعت زنان در مدرسه صالحیه قزوین بود. سخت باتقوی و زاهد بود. قرآن را از حفظ داشت.
از همسر و برادرش و از شیخ احمد احسانی اجازه روایت داشت. از آثار اوست، دیوان شعر،